در آستانه معرفی کابینه دولت چهاردهم مطرح شد

وزیر بهداشت، الزاما باید پزشک باشد؟

گروه اجتماعی

ادامه از صفحه اول

او در ادامه به این نکته هم اشاره می‌کند که «نام هر دستگاه یا وزارتخانه‌ای نمایانگر چشم‌انداز و مأموریت آن مجموعه است، در خیلی از کشورها این وزارتخانه، تحت عنوان «سلامت» شناخته می‌شود و در کشور ما عنوان این وزارتخانه بیشتر تداعی‌کننده مسائل درمانی است. یعنی دیدگاه وزارت هم با توجه به عنوان آن بیشتر مبحث پزشکی هست تا حوزه سلامت و به این دلیل وزرایی که انتخاب می‌شوند، پزشک هستند. به نظرم بد نیست در آینده برای تغییر عنوان این وزارتخانه فکر اساسی کرد. اما به هرروی تصور ما از وزیر بهداشت به‌عنوان کسی که پزشک است و مسائل پزشکی را باید حل کند درست نیست. مسائل و تصمیمات اقتصادی و سیاسی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در حوزه سلامت تأثیر جدی دارد لذا وزیر بهداشت، وزیر پزشکان یا رئیس سازمان نظام پزشکی نیست بلکه باید به اصول کلی مدیریت آشنا و به مسائل کلان کشور اشراف داشته باشد. هم بخشی‌نگری نکند و هم متوجه این موضوع باشد که بهبود فضای کسب‌وکار و اقتصاد و توسعه کلی کشور و... در حوزه سلامت اثرات مستقیم دارد و به سهم خود به‌عنوان عضو دولت در این راستا کمک کند. فقط دنبال هزینه کردن منابع نباید باشد بلکه بتواند منابع جدید مالی هم ایجاد کند.»

اجباری به پزشک بودن وزیر بهداشت و درمان نیست

دکتر اسدی تصریح می‌کند: «پزشک هم اگر دانش و تجربه و فن و هنر مدیریت کلان را داشته باشد، می‌تواند مدیریت کند و وزیر بشود. ولی اجباری به پزشک بودن وزیر بهداشت و درمان نیست. این تصور که یک پزشک فوق تخصص حاذق و خوشنام یا یک استاد دانشگاه باسابقه و عالم حتما وزیر باکفایت و کارآمدی هم خواهد بود، درست نیست. وزیر که نمی‌خواهد جراحی کند یا بیماری را تشخیص و درمان کند. بلکه باید توان مدیریت حوزه سلامت کشور را با ویژگی‌های خاص خودش، مطابق استانداردهای جهانی داشته باشد و با توجه به تجارب دیگر کشورهای موفق و به‌کارگیری نیروهای خلاق و توانمند و باتجربه این عرصه را مدیریت کند.»

سال‌هاست که ساختار عریض و طویل نظام سلامت به شکل کامل در اختیار پزشکان بوده و این مسئله تعارض منافع را پدیده آورده است. بااین‌حال نایب‌رئیس سازمان نظام پزشکی تهران بزرگ تعارض منافع را تنها محدود به وزارت بهداشت ندانسته و می‌گوید: «وزیر در هر وزارتخانه‌ای می‌تواند در مظان اتهام تعارض منافع باشد. حتی ممکن است در وزارت آموزش و پرورش و صمت و سایر وزارتخانه‌های دیگر نیز این تعارض منافع و تبعیض‌ها وجود داشته باشد اما برای رفع این تعارض، پزشک نبودن وزیر بهداشت نمی‌تواند راهبرد و راهکار نهایی باشد.»

مشکل اصلی وزارت بهداشت؛ فرد نیست، ساختار حاکم است

محمد شریفی مقدم، دبیرکل خانه پرستار نیز به این تعارض منافع اشاره دارد و معتقد است تصمیم‌گیران باید این بحث را در نظام سلامت حل کنند. او تأکید می‌کند: «مشکل اصلی وزارت بهداشت و درمان؛ فرد نیست. مشکل سیستم و ساختار حاکم بر این وزارتخانه است. حتی اگر قوی‌ترین فرد غیرپزشک هم در این سیستم قرار بگیرد، بازهم به‌تنهایی قادر نخواهد بود اقدام مؤثری انجام دهد، مگر اینکه ساختار پوسیده و پراشکال این حوزه دستخوش تغییر و تحولی اساسی شود. بر این اساس تصور می‌کنم پزشک بودن یا نبودن شخص وزیر مسئله ثانویه است. برای برون‌رفت از چالش‌های نظام سلامت به اراده‌ای فراتر از وزارت بهداشت نیاز داریم تا با اصلاح سیاست‌های آمیخته به تعارض منافع، اصلاح نظام پرداخت غیرعادلانه و تغییر ساختار فرسوده و ناکارآمد، وضعیت حوزه سلامت را بهبود بخشد.» دبیرکل خانه پرستار عنوان می‌کند: «در هیچ کجای دنیا تقریبا وزارتی تحت عنوان «بهداشت و درمان و آموزش پزشکی» وجود ندارد، در سایر کشورها ازجمله مالزی این مجموعه «وزارت سلامت» و در انگلیس «وزارت سلامت و تأمین اجتماعی» نام دارد و از میان ۱۰ کشور برتر دنیا در حوزه درمان و سلامت، در ۹ کشور ازجمله انگلیس، آمریکا، کانادا، مالزی و فرانسه وزیر حوزه سلامت، پزشک نیست و افراد حقوقدان و کسانی که در حیطه اقتصاد سلامت تحصیل کرده‌اند، تولی‌گری این بخش را برعهده دارند و البته علت موفقیت این کشورها فقط غیرپزشک بودن شخص وزیر نیست بلکه روش‌ها و مدل‌های موفقی دارند و ضمن شفافیت و مسئولیت‌پذیری، تعارض منافع را برنمی‌تابند؛ این‌ها موارد فراموش شده در حکمرانی کشور ما و به‌ویژه در حوزه سلامت است. بنابراین آنچه از شخص وزیر مهم‌تر است، سیستم و ساختار حاکم بر این مجموعه است که اولویت نخست آن باید صحت و سلامت مردم باشد و آنچه نارضایتی‌ها را به شکل‌های مختلف نشان می‌دهد، ناشی از سیاست‌های غلط سه دهه گذشته بوده است.»

شریفی مقدم خاطرنشان می‌کند: «سیستمی که در نظام سلامت ما به‌ویژه در وزارت بهداشت حاکم است در هیچ کجای دنیا سابقه ندارد، سیستمی که در آن فقط منافع یک گروه خاص تأمین می‌شود و هیچ کس هم رضایت ندارد. چنانچه ساختار قوی‌ای ایجاد و سیستم فعلی تغییر کند، آن زمان شخص وزیر می‌تواند مأموریت خود را به‌درستی انجام بدهد. منهای تخصص؛ باید فردی که در رأس این مجموعه قرار می‌گیرد، دارای علم و تجربه مدیریت باشد. ما در نظام سلامت مشکل تخصص نداریم و به بهترین شکل خدمات تخصصی ارائه می‌شود، مشکل، مدیریتی است. رؤسای بیمارستان‌ها، دانشگاه‌ها و وزیر بهداشت و درمان درحالی پزشک هستند که فاقد دانش مدیریتی لازمند. در اغلب کشورها، قوی‌ترین مدیران در رأس مجموعه‌های بیمارستانی، دانشگاه‌ها و وزارت سلامت قرار می‌گیرند. به‌عنوان مثال بیش از ۹۰ درصد رؤسای بیمارستان‌ها در آمریکا افراد غیرپزشک هستند که تحصیلات اقتصاد سلامت دارند. ۵ درصد رؤسا هم عمدتا پزشک عمومی هستند که دوره‌های مدیریتی را گذرانده‌اند و هیچ‌گونه انتفاعی هم از بخش خصوصی نمی‌برند، درحالی که وزرای ما دارای کلینیک خصوصی و مطب‌اند و هفته‌ای یک روز در بیمارستان حضور دارند. این رویه در سیستم مدیریتی جواب نمی‌دهد. وزیر و رؤسای بیمارستان‌ها باید علم مدیریت و تجربه آن را داشته باشند. نظام سلامت ما نیاز به جراحی دارد، جراحی هم با عوارض و مقاومت‌هایی همراه است، هم‌اکنون که فرصتی فراهم شده تا فردی از بدنه نظام سلامت در رأس قوه اجرایی قرار گیرد، همه باید کمک و حمایت کنیم تا این تغییرات بنیادین در نظام سلامت انجام شود.»

اماداریوش چیوایی، کارشناس سیاست‌گذاری حوزه سلامت مبسوط‌ترین توضیحات را در این مورد ارائه و برای ابراز مخالفتش با پزشک بودن وزیر بهداشت علاوه بر ضرورت تخصص‌گرایی، به مسئله پرتکرار تعارض منافع اشاره دارد و در گفت‌وگو با «رسالت» تشریح می‌کند: «موضوع تعارض منافع در کشور ما، تازه از ابتدای دهه ۹۰ و اواخر دهه ۸۰ مطرح شده و تا امروز هم در این باره اقدامات پژوهشی صورت گرفته و گزارش‌هایی نوشته شده است، ولی در دنیا یک موضوع شناخته‌شده و صاحب ادبیات است و در حکمرانی بسیاری از کشورها مورد توجه قرار گرفته. موضوع تعارض منافع نه‌فقط در بحث نظام سلامت بلکه در کلیت حکمرانی بررسی شده و تأثیرش بر روندهای حکمرانی ارزیابی شده است. این پدیده سطوح مختلفی دارد و در یک طبقه‌بندی می‌تواند ساختاری و یا فردی باشد. به لحاظ ساختاری میان مأموریت‌ها و اهداف مختلف یک سازمان می‌تواند این تعارض وجود داشته باشد و در وزارت بهداشت نیز به‌طور عام این مسئله به شکل ساختاری وجود دارد. نفع ساختاری این وزارتخانه به‌عنوان ارائه‌دهنده خدمت در عرضه بیشتر خدمات درمانی است، درحالی که مأموریت و وظیفه این مجموعه در راستای حفظ و ارتقاء سلامت، بیشتر توسعه بهداشت را ایجاب می‌کند و این از نمونه‌های واضح تعارض منافع است. تعارض بین وظیفه تأمین و نظارت بر کیفیت دارو در سازمان غذا و دارو نیز یکی دیگر از مثال‌های کلاسیک تعارض منافع ساختاری در حوزه سلامت است. اما تعارض منافع فردی هم مطرح است، و نه‌فقط در خصوص جایگاه وزیر بهداشت بلکه در مورد تمامی مناصب مدیریتی حوزه سلامت این مسئله مطرح است و همان‌طور که اشاره کردم به‌صورت عام، قابل تسری به جایگاه‌های مختلف حکمرانی در سایر بخش‌ها و در تمامی کشورهاست. طبیعتا در وزارت بهداشت به دلیل گستره دسترسی‌ها و تنوع وظایفی که شخص وزیر در حوزه حکمرانی دارد، این مسئله اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. به‌طور مثال بخش مهمی از کالاهای وارداتی ازجمله دارو و تجهیزات پزشکی و البته غذا نیازمند اخذ مجوز از وزارت بهداشت و سازمان غذا و دارو است، به‌علاوه این دستگاه تنها دستگاه دولتی است که به موازات وزارت علوم به‌طور گسترده به اداره سیستم آموزش عالی می‌پردازد. همچنین بزرگترین منبع درآمدی دولت، وزارت بهداشت است و بزرگترین منبع درآمدی این وزارتخانه -بافاصله تقریبا غیرقابل مقایسه‌ای- مربوط به بخش درمان است. همه این‌ها یعنی وزارت بهداشت یکی از بزرگترین دستگاه‌های کشور است که یکی از بالاترین بودجه‌های دولتی به این وزارتخانه اختصاص می‌یابد. همه این موارد به جایگاه وزیر بهداشت اهمیت خاصی می‌دهد و البته امکان بروز تعارض منافع را افزایش می‌دهد.»

تأثیر غیرقابل انکار تعارض منافع در بروز مشکلات ریشه‌ای وزارت بهداشت

چیوایی با تأکید بر اینکه مسئله تعارض منافع فردی برای جایگاه وزیر بهداشت موضوع جدیدی نیست، می‌گوید: «در سنوات مختلفی که دولت جدید در آستانه تشکیل و یا معرفی وزیر بهداشت بوده، این موضوع که وزیر بهداشت فعال بخش خصوصی نباشد، به‌عنوان یک شاخص مهم مطرح شده است. علت اصلی مطرح شدن این ضرورت نیز به یکی از مهم‌ترین اشتباهات سیاست‌گذاری در دهه هشتاد بازمی‌گردد. جایی که بین تعرفه بخش خصوصی و دولتی اختلاف فاحش حدود ۱۰ برابری در طی دو سال ایجاد شد و این مسئله به فعالیت هم‌زمان پزشکان بخش دولتی در بخش خصوصی و تشدید پدیده دو شغلگی Dual Practice منجر شد. موضوعی که همچنان به‌عنوان یک مسئله حاد در حوزه درمان کشور وجود دارد و آسیب‌ها و پیامدهای منفی بسیاری به همراه داشته است. ازجمله این پیامدها، ارجاع بیمار از بخش دولتی به خصوصی و خالی شدن و ناکارآمدی بخش دولتی است. زمانی که «گسترش بخش خصوصی در حوزه درمان» در کنار «مسئله دو شغلگی» قرار گرفت، ما شاهد ظهور مدیرانی بودیم که به‌طور هم‌زمان در بخش دولتی فعالیت و در بخش خصوصی صاحب سهام بودند و در برخی مواقع به مدیریت بخش دولتی هم تسری پیدا کرد. البته این عارضه تا عالی‌ترین سطوح مدیریت نظام سلامت هم انتشار داشته. یکی از نمونه‌های معروف آن به اوایل دهه نود و سهامداری وزیر وقت در یکی از بزرگترین بیمارستان‌های زنجیره‌ای چشم‌پزشکی کشور برمی‌گردد. سایر افرادی هم که به‌عنوان وزیر معرفی شدند، بیش یا کم هم‌زمان در بخش خصوصی و دولتی فعال بودند. همین موضوع باعث ایجاد بستری برای اخذ تصمیمات ناکارآمد است. البته باید به این نکته توجه کرد که حتما و الزاما تمام تصمیمات این افراد غلط نبوده، اما منطق و مبانی تعارض منافع به ما می‌گوید این موضوع، زمینه بروز تصمیمات اشتباه در حکمرانی را فراهم می‌کند. ما در حالی نتوانسته‌ایم این مسئله را حل کنیم که سهامداری بخش خصوصی و فعالیت هم‌زمان در بخش خصوصی و دولتی یک چالش مهم است. در این وزارتخانه، وزرایی مشغول به کار بوده‌اند که در عین پذیرش مسئولیت سنگین وزارت، فعالیت درمانی بخش خصوصی را نیز هم‌زمان دنبال می‌کردند که می‌تواند بستر انحراف در سیاست‌گذاری در حوزه سلامت را فراهم سازد. ما از این پدیده رها نشده‌ایم و امیدوارم در دولت چهاردهم، این مسئله به طور کامل حل و یا حداقل شفاف بشود؛ نه در خصوص وزیر بهداشت بلکه در مورد همه وزرا و نه فقط در خصوص شخص وزیر بهداشت بلکه در مورد ستاد وزارتخانه و رؤسای دانشگاه‌های علوم پزشکی نیز باید این تعارض منافع شفاف شده و تا جای ممکن رفع و افراد باانگیزه و تمام‌وقت در حوزه‌های مدیریتی بهداشت و درمان کشور به‌کار رفته شوند.»

چیوایی در ادامه تأثیر تعارض منافع در بروز مشکلات ریشه‌ای وزارت بهداشت را غیرقابل انکار توصیف و تصریح می‌کند: «بااین‌وجود نباید تمام مشکلات را صرفا مربوط به تعارض منافع دانست، ما مسائل دیگری هم داریم و باید مسئله‌یابی نظام سلامت به شکل صحیح انجام بشود. بدون تردید در حل این موضوع یکی از چند محور اصلی، تعارض منافع است و باید به این موضوع به‌صورت جدی توجه کرد.»

سلامت یک موضوع صرفا بالینی نیست

این کارشناس حوزه سلامت با تأکید بر این مطلب که افراد فعال در حوزه اقتصاد سلامت و کسانی که در این زمینه تحصیل کرده‌اند، قادرند تولی‌گری حوزه سلامت را به عهده بگیرند، بیان می‌کند: «برای درک بهتر این موضوع که تولی‌گری فردی با دانش و مهارت و سابقه اقتصاد مدیریت و سیاست‌گذاری تا چه حد برای سکانداری وزارت بهداشت و درمان ضروری است، باید به این مهم اشاره کرد که اساسا موضوع سلامت صرفا بالینی نیست و درنهایت ۲۰ تا ۲۵ درصد آنچه ما از آن به‌عنوان سلامت یاد می‌کنیم مربوط به حوزه بهداشت و درمان است و ۷۵ تا ۸۰ درصد آن به مؤلفه‌های اجتماعی سلامت و مسائل اقتصادی جامعه ارتباط دارد، بااین‌وجود وزارت بهداشت نه‌فقط متولی بخش بهداشت و درمان بلکه متولی سلامت به تمام معناست. وزارت بهداشت و شخص وزیر باید بر حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی اشراف کافی و وافی داشته باشند و شخصی که می‌خواهد در قامت وزیر موضوع سلامت را به‌عنوان یک حق پیگیری کند باید حقوق بداند. از طرفی دانستن اقتصاد تأثیر بسیار بیشتری از دانستن موضوع بالینی در حوزه سلامت دارد، چراکه امروزه عمده مسائل نظام سلامت ما اقتصادی است. حوزه‌ای که بالغ بر ۸۰۰ هزار میلیارد تومان گردش مالی دارد، و بودجه دولتی آن بیش از ۳۵۰ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود؛ حتما و قطعا نیازمند یک نگرش اقتصادی برای اداره بهینه است. حتی آن ۲۰ تا ۲۵ درصدی هم که مربوط به بهداشت و درمان است اگر به‌صورت طولی و عرضی بررسی کنیم، متوجه خواهیم شد که تنها معطوف بر امر درمان نیست لذا صرف پزشک بودن وزیر ابزار گذار نخواهد بود، چون این بخش مشتمل بر بهداشت، پیشگیری، توانبخشی و ترویج سلامت است و این موارد الزاما درمانی نیستند.» چیوایی خاطرنشان می‌کند: «پزشکی در بسیاری از بخش‌ها محدود به درمان است و یا در برخی حوزه‌ها نظیر توانبخشی یا بهداشت نیز مباحثی در رشته‌های مربوط به پزشکی ارائه شده اما عمدتا بر درمان متمرکز است، ازاین‌رو سلامت فقط بهداشت و درمان نیست و خود این مقوله هم به‌صورت مطلق بر حیطه درمان معطوف نیست. بخش عمده آن سیاست‌گذاری و بخش عمده‌ترش اقتصاد بهداشت و درمان است که ماهیت اقتصادی دارد. اینکه در حال حاضر هزینه‌های بهداشت و درمان ما زیاد می‌شود به خاطر بی‌توجهی به اقتصاد این مقوله است و افراد متخصص این حوزه هیچ‌گاه وزیر بهداشت نبوده‌اند. همان‌طور که اشاره کردم این وزارتخانه ۲۰ تا ۲۵ درصد مفهوم سلامت را در اختیار دارد اما صد درصد آن را تولی‌گری می‌کند، بنابراین به دلایل متعدد وزیر بهداشت نباید لزوما پزشک باشد و حتما باید شخص وزیر بر حوزه‌های اقتصاد سلامت، مدیریت بهداشت و درمان و سیاست‌گذاری سلامت مسلط و آگاه باشد تا بتواند مدیریت بهینه‌ای در این وزارتخانه اعمال کند. امیدوارم در دولت چهاردهم برای این منظور تصمیمی خردمندانه اتخاذ شود.»

وزیر بهداشت باید پزشک باشد

دکتر پیمان سلامتی، متخصص طب پیشگیری و پزشکی اجتماعی و استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران برخلاف دیدگاه‌ها و نظراتی که در این گزارش مطرح شده، بر پزشک بودن وزیر بهداشت و درمان تأکید و در گفت‌وگو با «رسالت» می‌گوید: «این وزارتخانه یکی از بزرگترین وزارتخانه‌های کشور است، و همان‌طور که از عنوان آن پیداست، شخص وزیر با پزشکان سروکار دارد و اداره این مجموعه دشوار و بسیار پیچیده است، طبیعتا فردی که در این حوزه تحصیل نکرده، بر موضوعات اشراف ندارد و از جزئیات مطلع نیست. یک وزیر بهداشت غیرپزشک تا بخواهد تجربیاتش را در این حوزه شروع کند و با مسائل و مشکلات موجود کنار بیاید، زمان می‌برد. مدیریت‌های میانی وزارت بهداشت می‌توانند غیرپزشک باشند اما شخص وزیر بهتر است که پزشک باشد.» این متخصص طب پیشگیری در پاسخ به این پرسش که «چرا وزیر بهداشت هیچ‌گاه از بین فارغ‌التحصیلان رشته‌های سیاست‌گذاری سلامت، مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی و اقتصاد سلامت که نسبت به پزشکان کمتر در معرض تعارض منافع هستند- انتخاب نشده است؟» توضیح می‌دهد: «طی چند دهه اخیر خوشبختانه در رشته‌های تخصصی مورد اشاره، پزشکانی فارغ‌التحصیل شده‌اند و این امکان برای تولی‌گری آنان در حوزه سلامت فراهم است.» او سپس عنوان می‌کند: «اگرچه فارغ‌التحصیلان رشته‌های سیاست‌گذاری سلامت، مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی و اقتصاد سلامت از دانش کافی در این خصوص برخوردار هستند ولی متأسفانه تجربه اجرایی لازم برای تصدی پست‌های سیاست‌گذاری را ندارند.» به‌هرروی باید معیارهای مناسبی را برای انتخاب وزیر بهداشت مشخص و بعد به سمت تربیت مدیران بدون تعارض منافع حرکت کرد و به این نکته توجه نمود که وزیر باید مدیر باشد، نه الزاما یک پزشک متخصص. همچنین لازم است در این دولت با تغییر ریل قطار نظام سلامت، ساختار آن را متحول کرد.

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
حوزه ثبتی تنکابن

نظر به مواد ۱ و ۱۳ قانون تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب مرحله ۱۹۰-۱۳۹۰/۹/۲۰ املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی تنکابن مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می‌گردد.

املاک متقاضیان واقع در قریه مرزه پلاک ۳ اصلی بخش ۲
۹۵۷ فرعی سارا نامی به کدملی ۰۰۷۰۵۲۱۸۷۵ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بربنای در حال احداث به مساحت ۳۰۰/۳۰ مترمربع انتقالی از مالک لیلی نجمی
املاک متقاضیان واقع در قریه پلنگ آباد علیا پلاک ۱۸ اصلی بخش ۲
۱۵۷ فرعی حمیدرضا دوستی کلاه کبودی به کدملی ۳۲۵۶۲۰۲۳۹۱ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر ساختمان به مساحت ۲۲۰ مترمربع انتقالی از مالک سهیل سجودی
املاک متقاضیان واقع در قریه لوله ده پلاک ۲۱ اصلی بخش ۲
۲۲۳ مفروزی از ۶۸ فرعی لاله رحیم پور کامی به کدملی ۲۰۶۴۸۸۹۷۰۱ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر ساختمان به مساحت ۱۷۰ مترمربع مالک مشاعی
املاک متقاضیان واقع در قریه قلعه سر پلاک ۲۳ اصلی بخش ۲
۲۶۵ فرعی اشرف حق نژاد به کدملی ۴۸۹۸۹۷۵۷۶۳ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۵۵ مترمربع انتقالی از مالک رسمی محسن امین دهقان
املاک متقاضیان واقع در قریه هنگو (عبداله آباد) پلاک ۲۴ اصلی بخش ۲
۲۲۱ فرعی کیوان گرجی به کدملی ۲۱۸۰۳۵۳۰۹۱ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۱۲/۸۰ مترمربع انتقالی از مالک رسمی محمدعلی تقوی
۲۲۲ فرعی محمدخانی آبادی به کدملی ۰۴۹۳۵۵۹۲۵۶ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۱۲/۳۲ مترمربع انتقالی از مالک رسمی تقی اسعدی
املاک متقاضیان واقع در قریه گراکو پلاک ۴ اصلی بخش ۴
۸۴۰ فرعی امیرعرشیا فلاحی با ولایت قهری مهرداد فلاحی به کدملی ۰۰۲۶۶۶۰۵۷۱ و امیرارسلان فلاحی با ولایت قهری مهرداد فلاحی به کدملی ۰۰۲۶۵۱۰۱۳۸ سهم هرکدام به ترتیب سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۲۱۸ مترمربع انتقالی از مالک رسمی مهرداد فلاحی
املاک متقاضیان واقع در قریه زنگشامحله پلاک ۱۸ اصلی بخش ۴
۱۰۳۴ فرعی مصطفی نوری به کدملی ۲۲۱۹۳۹۷۳۲۷ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۰۱ مترمربع انتقالی از مالک رسمی وحید استبصاری
املاک متقاضیان واقع در قریه خوبانرزگاه پلاک ۲۰ اصلی بخش ۴
۴۷۹۰ مفروزی از ۲۵۲ فرعی لیلا شیرود قربانیان به کدملی ۰۰۷۱۴۴۵۳۰۷ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر ساختمان به مساحت ۱۸۰ مترمربع انتقالی از مالک مشاعی
۴۷۹۳ مفروزی از ۱۰۱۳ فرعی محمد منتقمی اتانی به کدملی ۲۲۱۹۵۰۹۷۹۶ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر ساختمان به مساحت ۲۹۹/۵۶ مترمربع انتقالی از مالک مشاعی
املاک متقاضیان واقع در قریه سنگراسر پلاک ۵۲ اصلی بخش ۴
۸۹ فرعی حلیمه رضایی آدریانی به کدملی ۱۱۴۲۴۳۵۵۰۴ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۵۰ مترمربع انتقالی از مالک رسمی نسرین رضائی آدریانی
املاک متقاضیان واقع در قریه شعیب کلایه پلاک ۱۲۲ اصلی بخش ۴
۱۶۳ مفروزی از ۴۴ فرعی بهرام نصیر شعیبی به کدملی ۲۲۱۸۴۱۳۱۷۵ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۶۴۹۲/۸۸ مترمربع انتقالی از مالک رسمی تقسیم نامه وراث
۱۶۴ مفروزی از ۴۴ فرعی بهرام نصیر شعیبی به کدملی ۲۲۱۸۴۱۳۸۶۸ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۶۳۶۲/۹۲ مترمربع انتقالی از مالک رسمی تقسیم نامه وراث
املاک متقاضیان واقع در قریه پسکلایه بزرگ پلاک ۱۳ اصلی بخش ۳
۱۷۴۹ مفروزی از ۴۳۵ و ۴۳۶ فرعی طاهره شکوری به کدملی ۲۲۱۸۰۵۷۱۴۶ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر ساختمان به مساحت ۳۲۲/۹۰ مترمربع انتقالی از مالک مشاعی
املاک متقاضیان واقع در قریه لشکرک پلاک ۲۶ اصلی بخش ۳
۵۶۴۶ فرعی الهام نیک کار به کدملی ۲۲۱۹۸۶۰۹۱۴ و ایراندخت نیک کار به کدملی ۲۲۱۰۰۸۶۲۳۱ سهم هرکدام به ترتیب سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۶۰۰ مترمربع انتقالی از مالک رسمی مریم نیک کار
املاک متقاضیان واقع در قریه کرچکله پلاک ۵۷ اصلی بخش ۳
۱۶۳۶ مفروزی از ۶۰۷ فرعی حمیدرضا دالوند به کدملی ۴۰۷۱۸۶۴۷۶۱ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۵۰ مترمربع انتقالی از مشاعی
املاک متقاضیان واقع در قریه امام زمین پلاک ۱۷۲ اصلی بخش ۳
۱۷۸ فرعی فاطمه نارمکی به کدملی ۰۰۴۵۸۷۳۷۰۴ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر ساختمان به مساحت ۴۴۵ مترمربع انتقالی از مالک رسمی سهیلا چیریان
۱۷۹ فرعی ابوالفضل قربانی به کدملی ۰۳۷۰۹۱۴۵۸۹ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر ساختمان به مساحت ۴۴۵ مترمربع انتقالی از مالک رسمی سهیلا چیریان
۱۸۰ فرعی ابوالفضل قربانی به کدملی ۰۳۸۰۹۱۴۵۸۹ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر ساختمان به مساحت ۴۵۳/۵۰ مترمربع انتقالی از مالک رسمی سهیلا چیریان
املاک متقاضیان واقع در قریه هراتبر پلاک ۸۴ اصلی بخش ۳
۳۸۲ مفروزی از ۴۷ فرعی مهدی احسانی درخشانی به کدملی ۴۰۵۱۷۵۵۶۴۹ و محمد احسانی درخشانی به کدملی ۴۰۵۰۹۸۶۲۸۰ سهم هرکدام به ترتیب سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر ساختمان به مساحت ۷۲۳/۸۰ مترمربع انتقالی از مالک مشاعی
املاک متقاضیان واقع در قریه پلطان پلاک ۸۷ اصلی بخش ۳
۵۰ فرعی میترا محمدی هنده خاله به کدملی ۲۲۱۷۹۲۰۶۰۱ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۷۰ مترمربع انتقالی از مالک رسمی ابوالفضل شریعتی
املاک متقاضیان واقع در قریه کتکله پلاک ۱۱۴ اصلی بخش ۳
۱۳۰۹ فرعی مصطفی بیات به کدملی ۳۹۳۳۹۲۳۲۲۰ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر ساختمان به مساحت ۵۷۱ مترمربع انتقالی از مالک رسمی ماشاالله سعیدیان
املاک متقاضیان واقع در قریه کلیشم پلاک ۲۰۴ اصلی بخش ۳
۵۵۶ مفروزی از ۹ فرعی ام البنین حاتمی پور به کدملی ۲۲۱۹۵۹۷۱۸۰ و صادقعلی قبادپور به کدملی ۲۲۱۸۵۵۷۹۵۹ سهم هرکدام به ترتیب سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر ساختمان به مساحت ۳۸۳ مترمربع انتقالی از مالک مشاعی
املاک متقاضیان واقع در قریه برسه پلاک ۲۱۶ اصلی بخش ۳
۶۶۴ فرعی ایران ایمان پرور به کدملی ۲۲۷۹۸۷۸۴۴۵ و زهرا استادی به کدملی ۵۸۰۹۹۲۶۶۷۳ سهم هرکدام به ترتیب سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مشجر مشتمل بر بنای احداثی به مساحت ۳۹۱ مترمربع انتقالی از مالک رسمی مهسا ابوالقاسمی مقدم

لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی و کثیرالانتشار در شهر منتشر و در روستا علاوه بر انتشار رای هیات الصاق تا در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نماید. معترض باید ظرف یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم درخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. بدیهی است برابر ماده ۱۳ آئین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده واحد ثبتی با رای هیات پس از تنظیم اظهارنامه حاوی تحدید حدود مراتب را در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود به صورت هم زمان به اطلاع عموم می رساند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تحدید حدود واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می‌نماید.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۴/۱۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۵/۲ م الف ۱۷۴۹۵۲۱
معاون مدیرکل و سرپرست ثبت اسناد و املاک تنکابن - صفر رضوانی گیل کلانی

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص کیمیاکالای رازی به شناسه ملی ۱۰۱۸۷۵۰۱۱۳۶ و به شماره ثبت ۵۰۵۴۸۱ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۱۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد سرمایه شرکت از مبلغ ۱۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال به مبلغ ۱۶۳۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال منقسم به ۱۶۳۰۰۰۰۰ سهم ۱۰۰۰ ریالی با نام عادی که تماما از طریق مطالبات حال شده افزایش یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح و ذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ فوق الذکر تکمیل و امضا گردیده است. سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۷۵۵۲۱۵)

آگهی تغییرات صندوق سرمایه گذاری مشترک مبین سرمایه به شناسه ملی ۱۴۰۰۵۳۵۵۰۹۸ و به شماره ثبت ۳۷۱۰۵ به استناد صورتجلسه مجمع صندوق مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۲۳ و مجوز شماره ۱۲۲/۱۵۵۶۵۹ مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۰۹ سازمان بورس و اوراق بهادار تصمیمات ذیل اتخاذ شد ماده ۴۶ اساسنامه بشرح زیر اصلاح گردید: "حسابرس صندوق موظف است در مقاطع شش ماهه و سالانه از اعضای هیأت مدیره مدیر صندوق و تأییدیه‌های برون سازمانی وفق استانداردهای حسابرسی، در خصوص هرگونه محدودیت از جمله تضمین و توثیق داراییهای صندوق، به نفع سایر اشخاص تأییدیه مدیران اخذ نماید و در خصوص محدودیتهای مذکور در گزارش دورهای حسابرسی صورتهای مالی اظهار نظر نماید." سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۷۵۵۲۱۱)

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص سبدگردان داریک پارس به شناسه ملی ۱۴۰۰۸۳۲۶۱۴۶ و به شماره ثبت ۵۴۱۰۹۰ به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۰۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد صاحبان امضای مجاز صندوق سرمایه گذاری اختصاصی بازارگردانی میزان داریک آقایان سیدرضا علوی و ابوالفضل شهرآبادی و سیدامین موسوی ترشیزی می‌باشند که کلیه اسناد و اوراق تعهد آور صندوق از جمله قراردادها، چک، سفته، برات و غیره با امضای دونفر از سه نفر فوق همراه با مهر صندوق و سایر مکاتبات اداری و عادی با امضای آقای ابوالفضل شهرآبادی و مهر صندوق معتبر است به موجب مجوز شماره ۱۲۲/۱۵۴۳۲۲ مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۱۹ سازمان بورس واوراق بهادار سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۷۵۷۰۶۱)

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص رهبان گستر پارسی به شناسه ملی ۱۰۳۸۰۵۵۴۴۲۲ و به شماره ثبت ۳۹۶۴۳ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۱۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت آریاز مبتکر هخامنش به شناسه ملی ۱۴۰۰۸۹۲۶۶۱۷ به سمت بازرس اصلی و خانم فهیمه قضائی به شماره ملی ۰۹۴۰۹۹۵۷۲۷ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند. ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت منتهی به سال ۱۴۰۲/۱۲/۲۹ مورد تصویب قرار گرفت. روزنامه کثیرالانتشار رسالت جهت نشر آگهی های شرکت تعیین گردید. اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری مشهد (۱۷۵۴۹۷۵)

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص آهن کاران گلچین به شناسه ملی ۱۰۲۲۰۱۶۶۷۷۳ و به شماره ثبت ۴۷۱۷۵۸ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد محل شرکت به واحد ثبتی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری ارومیه به آدرس استان آذربایجان غربی، شهرستان ارومیه، بخش مرکزی، دهستان باراندوزچای جنوبی، روستای عیسی لو، جاده مهاباد، کوچه اصلی، پلاک ۰، طبقه همکف به کد پستی: ۵۷۳۳۱۸۴۰۰۵ انتقال یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید. سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۷۵۵۲۱۳)

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص سبدگردان داریک پارس به شناسه ملی ۱۴۰۰۸۳۲۶۱۴۶ و به شماره ثبت ۵۴۱۰۹۰ به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۰۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد صاحبان امضای مجاز صندوق سرمایه گذاری اعتماد داریک آقایان سیدرضا علوی و ابوالفضل شهرآبادی و سیدامین موسوی ترشیزی میباشند که کلیه اسناد و اوراق تعهد آور صندوق از جمله قراردادها، چک، سفته، برات و غیره با امضای دونفر از سه نفر فوق همراه با مهر صندوق و سایر مکاتبات اداری و عادی با امضای آقای ابوالفضل شهرآبادی و مهر صندوق معتبر است و به موجب مجوز شماره ۱۲۲/۱۵۴۳۲۷ مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۱۹ سازمان بورس و اوراق بهادار سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۷۵۵۱۹۵)

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص تجهیز صنعت پردیس به شناسه ملی ۱۴۰۰۴۱۲۴۰۴۲ و به شماره ثبت ۵۱۵۰۷ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد خانم مریم سازوار به شماره ملی ۰۹۲۱۶۸۰۴۰۶ آقای مرتضی سازوار به شماره ملی ۰۹۴۵۹۶۴۹۲۷ آقای هادی محمدی به شماره ملی ۰۹۴۶۹۲۸۷۹۷ به سمت اعضا هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۰ انتخاب گردیدند آقای احمد رضا صحرابیگی به شماره ملی ۰۹۴۶۶۹۱۱۲۶ به سمت بازرس اصلی و آقای رسول ربانی ذبیحی به شماره ملی ۰۹۴۵۳۰۰۶۴۶ به سمت بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند روزنامه کثیرالانتشار رسالت جهت نشر آگهی های شرکت تعیین گردید. اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری مشهد (۱۷۵۴۹۷۱)

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص کیمیاکالای رازی به شناسه ملی ۱۰۱۸۷۵۰۱۱۳۶ و به شماره ثبت ۵۰۵۴۸۱ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۰۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد موسسه حسابرسی دش و همکاران به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۷۱۲۷۱ به سمت بازرس اصلی تا پایان سال مالی و موسسه حسابرسی بهنود حساب به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۱۶۴۴۳۲ به سمت بازرس علی‌البدل تا پایان سال مالی انتخاب گردیدند سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۷۵۵۲۰۰)

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص سبدگردان داریک پارس به شناسه ملی ۱۴۰۰۸۳۲۶۱۴۶ و به شماره ثبت ۵۴۱۰۹۰ به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۰۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد صاحبان امضای مجاز صندوق سرمایه گذاری فراز داریک آقایان سیدرضا علوی و ابوالفضل شهرآبادی و سیدامین موسوی ترشیزی میباشند که کلیه اسناد و اوراق تعهد آور صندوق از جمله قراردادها، چک، سفته، برات و غیره با امضای دونفر از سه نفر فوق همراه با مهر صندوق و سایر مکاتبات اداری و عادی با امضای آقای ابوالفضل شهرآبادی و مهر صندوق معتبر است به موجب مجوز شماره ۱۲۲/۱۵۴۳۲۲۵ مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۱۹ سازمان بورس و اوراق بهادار سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۷۵۵۱۹۴)

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص تجهیز صنعت پردیس به شناسه ملی ۱۴۰۰۴۱۲۴۰۴۲ و به شماره ثبت ۵۱۵۰۷ به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد خانم مریم سازوار به شماره ملی ۰۹۲۱۶۸۰۴۰۶ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره آقای مرتضی سازوار به شماره ملی ۰۹۴۵۹۶۴۹۲۷ به سمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره آقای هادی محمدی به شماره ملی ۰۹۴۶۹۲۸۷۹۷ به سمت رئیس هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۰ انتخاب گردیدند کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادها و عقود اسلامی با امضاء آقای مرتضی سازوار به سمت مدیر عامل همراه با مهر شرکت معتبر می باشد. اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری مشهد (۱۷۵۴۹۶۹)